

## دلیل نفرین کردن ائمه (ع) از زبان آیت الله تهرانی

آیت الله تهرانی گفت: این طور نبود که ائمه و پیغمبر اکرم مطلقاً هر معاندی را نفرین کنند، بلکه آنجایی که احساس می کردند در جامعه اثر سوء دارد، اقدام می کردند



در درس اخلاق مطرح شد

دلیل نفرین کردن ائمه (ع) از زبان آیت الله تهرانی

آیت الله تهرانی گفت: این طور نبود که ائمه و پیغمبر اکرم مطلقاً هر معاندی را نفرین کنند، بلکه آنجایی که احساس می کردند در جامعه اثر سوء دارد، اقدام می کردند.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت الله مجتبی تهرانی از اساتید برجسته اخلاق در دوازدهمین جلسه از جلسات اخلاق و معارف اسلامی ویژه ماه مبارک رمضان به موضوع &#171#تأثیر شرایط و ضوابط اجتماعی بر لعن و نفرین ائمه علیهم السلام» پرداخت که مشروح آن در پی می آید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛

&#171#اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ».

مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان ماه تلاوت قرآن و ماه دعا است؛ دعای به خیر برای خود و دیگران، چه دنیوی باشد و چه اخروی. اگر بخواهد برای منحرفین دعا کند، در اینجا تفصیل قائل شدیم، یعنی اگر در انحراف استضعاف باشد، به این معنا که آن فرد مستضعف باشد دعای به خیر کردن اشکال ندارد اما گفتیم که یک دعا را نمی تواند بکند و آن استغفار نسبت به مشرک و کافر است. اما راجع به معاندین، اصلاً دعای به خیر نمی توانیم بکنیم. بحث به اینجا رسید، نفرین کردن آن ها چگونه است؟ عرض شد که نسبت به معاند اشکالی ندارد. در اینجا نکته ای را تذکر بدیم؛ همان طور که جلسه گذشته عرض شد، نمی توانیم راجع به مستضعف استغفار و طلب مغفرت کنیم، از این طرف هم نفرین، نسبت به معاند مطرح می شود.

نفرین بر منحرف کننده دیگران

آنچه که از آثار یعنی از عمل معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) در باب نفرین هایی که انجام داده اند به دستمان می آید، این است که ایشان هر معاندی را نفرین نمی کردند. کسانی که معاند و منحرف بودند و این انحراف، موجب اثرگذاری روی غیر بود را نفرین می کردند. سرش همان بود که عرض شد و آن اینکه، مستضعفان به این ها گرایش پیدا نکنند.

معاند بی ضرر

معاند بدبختی که هیچ کس هم قبولش ندارد و متروک است باشد، دیده نشده که ائمه نفرینش کرده باشند. کسی که هیچ کس قبولش ندارد چه ضرری دارد؟ انحراف او تنها ضرر به خودش می رساند اما ضرری برای جامعه ندارد. دقت کنید! این طور نبود که مطلقاً ائمه و پیغمبر اکرم هر معاندی را نفرین کنند. کارهایشان حساب شده بود و حکمت داشت. منظور در اینجا آن کسی بود که انحرافش در جامعه اثر سوء داشته باشد و الا اگر بلا اثر باشد، اهمیتی ندارند. می خواستم این را عرض کنم که یک وقت در باب معاند اشتباه نشود که بگوییم ائمه مطلقاً نفرین می کردند، بلکه آنجایی که احساس می کردند در جامعه اثر سوء دارد، اقدام می کردند.

## نفرین افراد با ایمان!

مطلب دوم؛ ما به یک سنخ نفرین‌هایی از ائمه نسبت به افرادی برخورد می‌کنیم که اگر از نظر تحقیقی و فتنی ببینیم، متوجه می‌شویم که این اشخاص نه معاند بودند و نه منحرف؛ بلکه چه بسا از نظر ایمانی هم از افراد برجسته بودند، ولی نفرین می‌شدند. مثلاً می‌بینیم که حضرت، زراره، محمد بن مسلم و سقان بن یحیی و... را نفرین یعنی دعای به ضرر می‌کنند. در ملاء عام هم نفرین می‌کردند، مثلاً اصحاب نشسته بودند؛ ایشان می‌فرمودند: اللهم العن کذا... چرا؟ این‌طور نیست که هر جا نفرین کرده باشند دلالت بر این است که او انسان بدی بوده و... اصلاً این‌طور نیست.

## نفرین برای حفظ جان یاران

به زندگی ائمه که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم ایشان در موقعیت‌های حکومتی‌ای قرار می‌گرفتند که گاهی زمامداران درصدد کشف و شناسایی یاران و اصحاب ایشان بودند تا یا حبسشان کنند و یا آن‌ها را بکشند. ائمه برای حفظ جان یارانشان، آن‌ها را هم در ملاء عام و هم در مجلسی که می‌دانستند از جاسوسان حکومت وجود دارند نفرین می‌کردند. چون جاسوسان گزارش می‌دادند که: من خدمت ایشان بودم و آنجا مثلاً زراره یا محمد بن مسلم یا آن‌هایی که از اصحاب بودند را لعن کردند. همین نفرین موجب می‌شد که آن‌ها جان‌شان حفظ شود. البته باید اشاره کنم، روایاتی داریم که اصحاب را مدح کردند. هم ذمّ داریم و هم مدح. این‌ها بحث‌های فتنی‌ای است که اهلش در تعارضات بین روایات جمع می‌کنند.

غرض این است که هر لعنی دلالت بر این نمی‌کند که آن فرد مبعوض بوده و از معاندین است. نمی‌توانیم این کار را بکنیم که از نفرین، عناد طرف را بخواهیم کشف کنیم.

## سه تقسیم برای نفرین

مطلب سوم؛ در باب نفرین‌ها تقسیم‌بندی کردم که یک نفرین شخصی است، مثلاً پیغمبر اکرم شخص خاصی را نفرین کرده است. عمرو عاص، معاویه و مروان و... که در اینجا تکلیف دیگران مشخص است.

قسم دومی که گفتم طایفه‌ای است. مثلاً از پیغمبر این روایت را نقل کردم که به قاتلان امام حسین (ع) لعن کرده است. در اینجا شخصی نیست، نسبت به گروه است.

## نفرین سراسری!

در این جلسه می‌خواستم مطلب سوّم را بگویم و آن اینکه، لعن و نفرین و امثال این‌ها نسبت به شخص خاص یا گروه خاصی نیست، بلکه سراسری است. یعنی چه؟ به این معنا که نفرین می‌کند و می‌گوید: هرکس این‌طور است لعنت بر او باشد. این دیگر مافوق دو مورد گذشته است. این‌گونه نفرین‌ها در لسان پیغمبر اکرم و ائمه‌ای که وارد شده پیام خاصی دارد و آن این است که پیام محدودی نیست. آن پیام سیاسی، اجتماعی است و باید قوی هم باشد. همه‌گیر است و دیگر کسی از این دایره بیرون نیست. این مسائلی که عرض می‌کنم یک مقدار فتنی است.

## نفرین سراسری در آینه روایات

روایت زیاد داریم ولی در اینجا پنج، شش مورد روایت را مطرح می‌کنم. از پیغمبر اکرم است که: &#171;رُؤیَ عَنْ رَسُولٍ

الله (صلی الله علیه و آله و سلم) عَادَى اللهَ مَنْ عَادَى عَلِيًّا؛ خدا با آن کسی که با علی دشمنی می‌کند دشمن است. این پیام نفرینی است. تعبیر دوم هم از پیغمبر اکرم است: &#171;قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) قَاتِلَ اللهُ مَنْ قَاتَلَكَ وَ عَادَى مَنْ عَادَاكَ. تعبیر &#171;عَادَى مَنْ عَادَاكَ» در روایت گذشته بود، اما اینجا یک چیز دیگر اضافه می‌کند. هرچیزی که می‌گویم، اضافه بر قبلی می‌شود. &#171;قَاتِلَ اللهُ مَنْ قَاتَلَكَ»؛ خدا با آن کسی که با تو بخواند بجنگد، مبارزه می‌کند و خدا با کسی که بخواند با تو بجنگد، دشمنی می‌کند.

در بالا دشمنی بود و حالا اینجا تعبیر جنگیدن را اضافه کرد. روایت سوم از پیغمبر اکرم: &#171;قَالَ فِي عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ عَادَى عَادَاهُ وَ انْصَرَّ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛ خدایا با آنکه با او دوستی می‌کند دوستی کن و بعد با آنکه با او دشمنی می‌کند دشمنی کن و آنکه او را یاری می‌کند یاری کن و کسی که او را رها می‌کند رها کن.

روایت دیگر از پیغمبر اکرم: &#171;مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ! وَالِ مَنْ عَادَى عَادَاهُ، وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ، وَ أَبْغَضَ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ انْصَرَّ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛ تعبیر &#171;مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» اضافه است بر آن‌هایی که در بالا بود. ابن عباس روایتی نقل می‌کند: &#171;قَالَ رَسُولُ اللهِ ص لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع ذَاتَ يَوْمٍ وَ هُوَ فِي مَسْجِدِ قُبَا»؛ می‌گوید: روزی در مسجد قبا بودیم، پیغمبر اکرم این را به علی (علیه السلام) فرمودند، &#171;وَ الْأَنْصَارُ مُجْتَمِعُونَ»؛ انصار و همه جمع بودند، &#171;يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَلِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ إِمَامُ أُمَّتِي بَعْدِي وَ أَلَاكَ وَ عَادَى اللهُ مَنْ عَادَاكَ وَ أَبْغَضَكَ مَنْ أَبْغَضَكَ وَ نَصَرَ مَنْ نَصَرَكَ وَ خَذَلَ مَنْ خَذَلَكَ». همه را در بالا فرموده بودند؛ می‌خواهد همین‌طور گام به گام به همه بفهماند. در اینجا می‌گوید: &#171;يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَلِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ إِمَامُ أُمَّتِي بَعْدِي». اینجا حجت را بر همه تمام می‌کند. در روایتی خطاب به مسلمانان فرمود: &#171;فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ تَصَبَّهَ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا»؛ ای مردم بدانید که خدا او را منصوب کرد تا امام باشد، &#171;مُقَرَّرًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحَرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ»؛ تمام را مطرح می‌کند یعنی هیچ نقطه تاریکی نگذاشت.

نفرین، پیام خاص

می‌خواهم این را عرض کنم که یک سنخ نفرین‌ها را می‌بینیم که از پیغمبر صادر شده و طرفش شخص و گروه خاصی نیست، بلکه سراسری است. این نفرین‌ها پیام خاصی دارد، یعنی مطلب باید پیام خاص خودش را داشته باشد و پیام سیاسی، اجتماعی نیست که استثنا بردار باشد. در روایاتی از ائمه و به خصوص از پیغمبر اکرم که بر روی آن‌ها تکیه می‌کنم، وارد شده است. معلوم می‌شود، مهم‌ترین مطلبی که برای پیامبر بوده است که باید چنین پیامی را تا روز قیامت به همه برساند این پیام است؛ که پیغمبر نفرین کرده و خدا هم بر آن نفرین مضاعف کرده است.

اصحاب باوفا

این روایات را مطالعه می‌کردم و در مطالعه به ذهنم رسید که این را عرض کنم. پیغمبر اکرم مطالبی را گفت و همه هم از اصحاب، مهاجرین، تابعین و... شنیدند.

در روز عاشورا امام حسین (ع) بعد از آنکه خطبه خواند، همه را مرخص کرد و گفت: این‌ها همه با من طرف هستند و با شما هیچ کاری ندارند، بلند شوید و بروید. حتی این تعبیر را کرد و گفت: هر کدام از شما که می‌روید، یکی از خاندان من را هم ببرید. اولین کسی که بلند شد و صحبت کرد برادرش بود و تا آخر حرف‌هایی به او زدند.

یکی گفت: هفتاد بار اگر مرا بسوزانند و خاکستر کنند و دوباره زنده شوم، دست از تو بر نمی‌دارم. دیگری گفت: اگر هزار بار مرا بکشند و... از تو روی نمی‌گردانم. آنجا بود که فرمود: من اصحابی با وفاتر از اصحاب خودم نمی‌بینم و فرمود: حالا که این را گفتید خبری می‌خواهم به شما بدهم و آن اینکه همه شما فردا شهید می‌شوید. در بین آن‌ها پسر بچه‌ای که مجلسی می‌نویسد: &#171;وَ هُوَ غَلَامٌ صَغِيرٌ لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُم»؛ به تکلیف نرسیده بود؛ بلند می‌شود و می‌گوید: ای عمو! من هم در این شهدا هستم؟ حسین (علیه السلام) جواب صریح به او نمی‌دهد، فرمود: &#171;كَيْفَ الْمَوْتُ عِنْدَكَ»؛ ای برادرزاده! مرگ در ذائقه تو چگونه است؟ برگشت و گفت: &#171;يَا عَمُّ أَحَلَّى مِنَ الْعَسَلِ»؛ از عسل شیرین‌تر است. البته تنها حرف نبود.